

## «تخریب سازنده نئوکان ها» در عراق حمله نظامی به ایران و نقش احمدی نژاد

۲۳ آبان ۱۳۸۹ برابر با ۱۴ نوامبر ۲۰۱۰ میلادی  
محمد حسینی

---

سیاست خارجی کشورها به ویژه کشوری مثل امریکا که آنهم حداقل از دوران ریاست جمهوری رونالد ریگان تاکنون داعیه امپراطوری و زعامت جهان را زیر عنوان «نظم نوین جهانی» (New World Order) در سر می پروراند با عوض شدن رئیس جمهور هر چهارسال یا هشت سال یکبار تغییری نخواهد کرد. اگر به یاد داشته باشیم تفسیر روشنفکران امریکائی در دوران تبلیغات انتخاباتی اوباما این بود که پرزیدنت جرج دبلیو بوش، سیاست خارجی امریکا را که همان سیاست میلیتاریزم نئوکان ها است چنان به شیوه گاوچران های تکراس (cowboys) به اجرا می گذارد که در دل مردم دیگر کشورهای جهان علیه امریکا ایجاد نفرت و انزجار می کند. اما اوباما قادر است همان سیاست را به گونه ای ادامه دهد که نه تنها نفرت و انزجاری نخواهد آفرید، بلکه ایجاد محبوبیت هم خواهد کرد!

اکنون دو سال از ریاست جمهوری باراک اوباما می گذرد و تداوم همان سیاست میلیتاریزم نئوکان ها را با سرعت و عمق بیشتر و تأسفباری ادامه می دهد. جرج دبلیو بوش چنانکه می دانیم برای حمله نظامی به عراق به صحنه سازی ها و دروغ پردازی های وقیحانه ای متوسل شد، اما باراک اوباما برای تداوم همان سیاست پیشین، سعی می کند افکار عمومی جهانیان به ویژه افکار عمومی مردم امریکا را برای تداوم جنگ و تجاوز و خونریزی با خود همراه سازد. او و دیگر کشورهای هم پیمان در پیشبرد و توسعه سیاست جنگی خود در جهان، به ویژه علیه کشور ما در حال ایجاد انزجار و نفرت روزافزون علیه مردم ما و کشور ماست که این بدون شرکت سران نظام ولایت مطلقه فقیه و بدون اعمال و کردار احمدی نژاد ممکن نبود.

خدمات احمدی نژاد به مجریان سیاست امریکائی/اسرائیلی نئوکان ها مسئله ای نیست که فقط در دوران دو ساله ریاست جمهوری باراک اوباما آغاز شده باشد. همکاری سران نظام جمهوری اسلامی با امریکا به طور اعم، و همکاری های احمدی نژاد به طور اخص، علیرغم شعارهای «مرگ بر شیطان بزرگ» که در ایران سر می دهند، بس واضح و غیرقابل انکار است.

ابتدا توجه می کنیم در زیر به یک پاراگراف از کتاب مایکل لدین که او در زمره تئوریسین های درجه اول نئوکان ها به حساب می آید:

مایکل لدین در واقع مانیفست سیاسی/عقیدتی/اقتصادی نئوکان ها را در این پاراگراف چنین بر ملا می سازد:

Creative destruction is our middle name, both within our own society and abroad. We tear down the old order every day, from business to science, literature, art, architecture, and cinema to politics and the law. Our enemies have always hated this whirlwind of energy and creativity, which menaces their traditions (whatever they may be) and shames them for their inability to keep pace. Seeing America undo traditional societies, they fear us, for they do not wish to be undone. They cannot feel secure so long as we are there, for our very existence—our existence, not our politics—threatens their legitimacy. They must attack us in order to survive, just as we must destroy them to advance our historic mission.

ترجمه فارسی:

« **Creative destruction** » (تخریب سازنده) نام میانی ماست، هم در جامعه خودمان و هم در جوامع دیگر ما هر روز رسوم گذشته را از روش کسب و کار روزانه، علوم، ادبیات، هنر، معماری، و سینما گرفته تا سیاست و قوانین فرو میریزیم. دشمنان ما همیشه از این گردباد انرژی و سازندگی ما که رسوم و سنت آنها را (هرچه که باشد) تهدید می کند و نیز از شرم و خجالتی که، چون توان رسیدن به ما را ندارند متنفر بوده اند. آن ها از اینکه امریکائی ها رسوم و سنتشان را از بین می برند از ما وحشت دارند، نمی خواهند ما

سنت و فرهنگشان را دگرگون کنیم. تا زمانی که ما آنجا هستیم نمی توانند احساس امنیت کنند، وجود ما را تهدیدی در برابر حقانیت خود می دانند، نه سیاست ما را. آن ها باید برای حفظ موجودیت خود به ما حمله کنند، درست به همین دلیل است که ما باید برای رسالت تاریخی خود آنها را نابود سازیم.

البته جا دارد هر جمله این پاراگراف از کتاب مایکل لدین که سراسر مملو از دروغ و نیرنگ و تحریف است مورد تفسیر و تعبیری دقیق قرار گیرد، اما در اینجا فقط به بخش (تخریب سازنده) ای که او بر آن پا می فشارد و آن را نام میانی خود و همدستانش می داند می پردازیم.

برای بررسی موضوع کافی است به مدل (تخریب سازنده) نئوکان ها را در کشور عراق بنگریم. آنچه امروز از عراق به جا مانده حاصل همین (تخریب سازنده) است که آن را در یک جمع بندی کلی می توان به دو بخش تقسیم کرد. یکم تخریب معنوی و دوم تخریب مادی :

### اول: تخریب معنوی در عراق.

برای روشن شدن مطلب، در زیر، فقط به دو نمونه که مشتق است از خروار توجه می کنیم:

۱. طی سال های حمله نظامی امریکا و متحدان این کشور به عراق چنانکه شاهد بودیم تمام مدارس، دانشگاه ها، کتابخانه ها، موزه ها و دیگر مراکزی که برای تعلیم و تربیت نسل های آینده در این کشور حیاتی بودند با خاک یکسان شد و گرانبهاترین آثار تمدن بشریت در موزه بزرگ عراق نیز به غارت رفت. تمامی اساتیدی که بسیاری از آن ها در ردیف بهترین کادرهای دانشگاه های معتبر جهان به حساب می

آمدند و در دانشگاه ها و دانشسرا های معظم عراق مشغول تدریس بودند، به وسیله تک تیر اندازان اعزامی به عراق در بین راه خانه به دانشگاه و بالعکس به قتل رسیدند، یا زخمی و معلول شدند، و یا اینکه به اتفاق خانواده های خود جان بر کف به صحراهای خشک و سوزان اطراف بغداد و دیگر شهرها تن به آوارگی ناخواسته و اجباری دادند. امروزه در عراق نه تنها از وجود دانشگاه های عظیم و کتابخانه ها و دیگر مراکز آموزشی و علمی که در روزگار پیشین، نسل های آینده را برای آبادانی عراق آماده می ساختند خبری نیست، بلکه نظم و ترتیب و برنامه و بودجه ای هم برای ایجاد یک سیستم آموزش جانشین، در آینده ای دوردست هم به چشم نمی خورد!

۲. تا قبل از حمله نظامی امریکا به عراق، واحد پول در این کشور " دینار " بود، اما در این روزها عراق دارای واحد پول واحد و مستقلی نیست. در بخشی از عراق ریال ایران و در بخشی دیگر دلار امریکائی به پول رایج عراق مبدل شده اند. بر اساس این دو نمونه می توان بخش اول (تخریب سازنده) نئوکان ها یعنی بخشی را که میزان خسارات حاصله از آن را نمی توان سنجید و ناگزیر باید آن را به آینده ای نامعلوم و بی انتها موکول کرد تخریب معنوی در عراق نام نهاد. در اثر اینگونه خرابی ها هویت مردم عراق به منزله صاحبان اصلی کشور عراق رو به نابودی است.

## دوم: تخریب مادی در عراق.

تاریخ کشورهای نفتخیز خاورمیانه نشان می دهد که ثروت ملی این کشورها، از جمله کشور عراق و کشور خودمان ایران از دیرباز تاکنون دستخوش چپاول و غارت کشورهای زورگوی امپریالیستی بوده است. این غارت و چپاول چنانکه میدانیم همیشه از طریق مزدورانی نظیر صدام حسین در عراق و رضاشاه و محمدرضا شاه در ایران انجام می شد.

آنچه را که شرکت های بزرگ نفتی به عنوان سهمی از منافع نفت و گاز به کشورهای مثل عراق یا ایران پرداخت می کردند اگرچه در برابر سود سرشاری که به جیب آن ها سرزیر می شد، ناچیز و غیر عادلانه بود، اما اجازه نمی دادند حتا همان مبالغ ناچیز به مصرف آبادانی شهرها و پیشرفت و زندگی بهتر مردم برسد. بیشترین بخش این درآمدها توسط همان نوکران جیره خوار مثل صدام حسین در عراق و شاه در ایران با خرید اسلحه و یا واگذاری قراردادهای ساختمانی و راه سازی و لوله کشی آب و شبکه برق رسانی و سد سازی و فرودگاه سازی . . . و غیره را به جیب خود و اربابان خود سرزیر می کردند. با این توضیح اجمالی می توان گفت برای مردم عراق از درآمد سرشار نفت و گاز طی سالیان دراز تاکنون چیزی به غیر از همین ساختمان ها ، پل ها، جاده ها، فرودگاه ها، شبکه های آبرسانی و دیگر ابنیه و آثار مشابه برجای نمانده بود که آنهم ناپود شد.

### مانیفست نوکان ها در رابطه با ایران و خدمات احمدی نژاد

اجرای بخش اول (*تخریب سازنده*) یعنی تخریب معنوی ایران دیرزمانی است که به عهده اسلام سیاسی گذاشته شده و در حال پیشرفت است. مبارزه با فرهنگ، هنر، علم، دانش، زیر و رو کردن کتاب های تاریخی و فرهنگی از یکسوی و به قلاده کشیدن روحیه و خصلت مبارزه مردم ایران برای رسیدن به زندگی بهتر، مهار کردن نیمی از مردم ایران یعنی زنان مبارز و پیشرو ایران، تعطیل کردن صنایع، زیر عنوان «خصوصی سازی»، رایج نمودن استعمال مواد مخدر، حذف علوم انسانی از مفاد درسی دانشگاه ها، تبدیل کردن دانشگاه ها به مراکز اجرای نماز جمعه، به خاک سپردن شهدای جنگ در محوطه دانشگاه ها، ترویج و توسعه عزاداری های دائمی دینی، ایجاد بیکاری و سرگردانی برای فارغ التحصیلان دانشگاهی و ده ها مورد مشابه دیگر دلیل قاطعی است مبنی بر این ادعا که تخریب معنوی ایران از روزهای آغاز خمینی به ایران به عهده اسلام سیاسی گذاشته شد و بلافاصله در برنامه کار نظام قرار گرفت.

اما بخش دوم یعنی همان تخریب مادی یا با خاک یکسان کردن پل ها، جاده ها، ساختمان ها، راه آهن، فرودگاه ها، سدّها، شبکه های آبرسانی و برق رسانی و غیره چه خواهد شد؟ این کاری نیست که بتوان به عهده اسلام سیاسی گذاشت. این کار فقط به وسیله بمب افکن های نیروی هوایی امریکا و متحدانش ساخته است. ولی آیا می توان بدون دلیل کشوری را با بمباران های ممتد با خاک یکسان کرد؟ جواب منفی است. نقش احمدی نژاد در اینجا نقشی است کلیدی. اوست که وظیفه بزرگی را از سوی اسرائیل و امریکا به عهده دارد. افکار عمومی مردم جهان به ویژه مردم امریکا بدون کردار و گفتار احمدی نژاد برای حمله نظامی به کشور ما آماده نخواهد شد. به چند موضوع در زیر برای نشان دادن وظیفه ای که احمدی نژاد و جمهوری ولایت مطلقه فقیه به عهده گرفته اند اشاره می شود:

• تهدید مکرر احمدی نژاد مبنی بر اینکه اسرائیل را از نقشه جهان محو خواهد کرد.

آیا چنین سخن یاوه ای علاوه بر غیر عملی بودنش می تواند کمکی به مردم ستمدیده فلسطین بکند؟ آیا ممکن است کمکی به مردم ستمدیده ایران بکند؟ به طور قطع جواب منفی است. بنابراین او به چه دلیلی اینگونه عربده می کشد؟ آیا یاوه سرائی های اینچنانی برخلاف منافع کوتاه مدت و دراز مدت مردم فلسطین نیست؟ آیا دلیل اصلی این سخن های سراپا یاوه و غیرقابل اجرا برای ایجاد نفرت و انزجار در دل جهانیان و آسان ساختن روند آماده سازی اذهان عمومی برای یک حمله نظامی به ایران نیست؟

• انکار کردن هولوکاست از سوی احمدی نژاد

آیا انکار هولوکاست مکن است کوچک ترین کمکی به ملت فلسطین یا مردم ایران بکند؟ آیا این نیز باعث آماده سازی اذهان عمومی بر علیه ایران و در نتیجه هموارسازی راه برای حمله نظامی اسرائیل و امریکا با ظاهری حق بجانب نیست؟

### • تحریک شیعیان عراق علیه اهل تسنن و دیگر مذاهب و فرقه ها در عراق.

می دانیم که جمهوری اسلامی با دامن زدن به اختلافات بین شیعیان و اهل تسنن خونریزی و برادر کشی در عراق را توسعه می دهد. در این رابطه باید از خود سوال کنیم آیا این به نفع مردم عراق است؟ آیا به نفع مردم ایران است؟ جواب به طور قطع منفی است. آیا چنین اعمال و روش های ضد بشری در جهت پیاده کردن مانیفست نئوکان ها، آنجا که مایکل لدین می نویسد « تا زمانی که ما آنجا هستیم نمی توانند احساس امنیت کنند، وجود ما را تهدیدی در برابر حقانیت خود می دانند، نه سیاست ما را. آن ها باید برای حفظ موجودیت خود به ما حمله کنند، درست به همین دلیل است که ما باید برای رسالت تاریخی خود آنها را نابود سازیم.» نیست؟ آیا چنین کردار ضد بشری از جانب جمهوری اسلامی به پیاده کردن پروژه تجزیه کشور عراق که مایکل لدین یکی از سردمداران و تئوریسین های ایجاد تفرقه برای تجزیه کشورهای خاورمیانه است کمک نخواهد کرد؟

### • در مورد افغانستان و پاکستان نیز وضع به همان منوال عراق است. در واقع تمام

اقدامات احمدی نژاد و جمهوری اسلامی در جهت اجرای منویات ارباب بزرگ یعنی منویات امریکا است. چندی پیش فاش شد که امریکا به نوکر خود حمید کرزای در افغانستان کیسه ها و چمدان های پول نقد می دهد تا او بتواند اهداف این کشور را برای نابودی افغانستان بدون کوچکترین حسابرسی پیش ببرد. و متعاقب آن فاش شد که جمهوری اسلامی نیز به همین کار غیر قانونی یعنی پرداخت کیسه های پول نقد به حمید کارزای کمک کرده و می کند؟ این عمل احمدی نژاد و نظام جمهوری اسلامی فقط می تواند در جهت پیشبرد اهداف امریکا در این کشور مصیبت زده باشد. حمید

کارزای از سالیان جوانی حقوق بگیر سازمان سیا بوده است که از سوی امریکا در افغانستان به قدرت رسیده نه با رأی آزاد ملت افغانستان!.

- **داستان غنی سازی یورانیوم** و سناریوی ساختن بمب اتمی در ایران نیز بخش دیگری از کمک های جمهوری اسلامی و احمدی نژاد به ایجاد وحشت در دل مردم امریکا و در نتیجه موجه نشان دادن حمله نظامی به ایران است. با توجه به نقشه زیر، که ایران را در محاصره پایگاه های نظامی امریکا نشان می دهد و با در نظر گرفتن همان پاراگراف از کتاب مایکل لدین (مانیفست نئوکان ها) و آن **(تخریب سازنده)** آیا جای شکی باقی خواهد ماند که هدف نهائی بمباران ایران است؟



خدمات بی شمار اسلام سیاسی به امپریالیزم دارای سوابق تاریخی دیرین است. آنچه را که جمهوری اسلامی از روزهای آغازین قدرتگیری در درون و بیرون ایران به اجرا گذاشته بزرگ ترین خدمت اسلام سیاسی به امپریالیزم به حساب می آید. اگر خمینی و خامنه ای و احمدی نژاد و دیگر سردمداران جمهوری اسلامی قصد و عزمی برای استقامت در برابر امپریالیزم داشتند دموکراسی را مبنای انتقام گرفتن از کشورهای زورگو قرار می دادند. به چند نمونه از آخرین خدمات اسلام سیاسی به امپریالیزم طی چندین دهه گذشته تاکنون در ایران به شرح زیر بی مناسبت نیست:

● خدمت بزرگ آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی در کودتای امریکائی/ انگلیسی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بر علیه مردم ایران و نماینده قانونی ملت ایران زنده یاد دکتر محمد مصدق.

● خدمت بزرگ خمینی به امریکا و انگلیس و اسرائیل در دزدیدن انقلاب اخیر ملت ایران که بر علیه دربار و برای انقراض نظام فاسد شاهنشاهی در ایران انجام شد نه برای روی کار آوردن اسلام سیاسی.

● خدمت بزرگ جمهوری اسلامی به امریکا در برنامه گروگانگیری کارکنان سفارت امریکا در ایران که مدارک آن در این سال ها در حال فاش شدن است و نشان می دهد که طراحان اصلی این گروگانگیری کسانی به غیر از هنری کیسینجر، سایروس ونس و برژنیسکی نبوده اند.

● و بالاخره کمک به برنده شدن رونالد ریگان (آغاز کننده طرح "نظم نوین جهانی" ) در انتخابات ریاست جمهوری در رابطه با آزاد کردن گروگان ها پس از ۴۴۴ روز.

با این ترتیب چگونه ممکن است باور کرد که همین آیت الله ها با چنین سوابق کارچاق کنی و نوکری به امپریالیزم، اکنون یکباره یکصد و هشتاد درجه تغییر جهت داده باشند و علم مخالفت با ارباب تاریخی خود را بلند کرده باشند؟. این از محالات است و نه تنها ملت ایران بلکه هیچ ملتی در جهان نبایست دچار چنین اشتباه بزرگی بشود.

در رابطه با واحد پول عراق نیز که عملا پس از حمله نظامی امریکا و انگلیس دینار عراقی از بین رفته و دو واحد پول خارجی یکی دلار و دیگری ریال ایرانی جانشین آن شده می توان پیش بینی کرد با تقلیل قیمت واحد پول در ایران پروسه نابودی واحد پولی مستقل در ایران نیز آغاز شده است. خبرهایی که از ایران به گوش می رسد حاکی از این واقعیت تلخ است که هم اکنون بسیاری از معاملات در ایران با واحد پول های اروپائی و امریکایی انجام می گیرد.

بنابراین نمی توان و نباید نظام حکومتی کنونی ایران را به خاطر شعارهای توخالی و بی محتوای احمدی نژاد و دیگر سرسپردگان غرب در ایران مخالف امریکا و انگلیس و دیگر کشورهای امپریالیستی جهان تصور نمود، بلکه باید به اعمال و کردارشان و نتایج خیانت هایشان به ملت ایران و ملت فلسطین را در راستای خدمت به امپریالیزم جهانی دانست.

### جمهوری اسلامی و تهدید توخالی بستن تنگه هرمز:

جمهوری اسلامی غرب را به بستن تنگه هرمز و متوقف کردن عبور و مرور کشتی های حامل نفت در صورت حمله نظامی به ایران تهدید می کند. اما واقعیت چیز دیگری است. احمدی نژاد و دیگر سران جمهوری اسلامی خوب می دانند که شعار بستن تنگه هرمز بس بیجا و توخالی است. آن ها خوب می دانند که اربابشان یعنی امریکا پیش بینی لازم در این رابطه را کرده است. لینک زیر نمونه ای است از همینگونه تمهیدات برای بی نیاز شدن از تنگه هرمز برای حمل و نقل کشتی های حامل نفت. آیا این به تنهایی نشان نمی دهد که احمدی نژاد و جمهوری اسلامی فقط در خدمت امریکا برای آماده سازی اذهان عمومی در رابطه با حمله نظامی به ایران انجام وظیفه می کنند؟

<http://www.shana.ir/141420-fa.html>

### حمله نظامی به ایران، رونق اقتصاد امریکا و انتخاب مجدد اوباما

باختن حزب دمکرات امریکا در انتخابات میان دوره ای که قریب دو هفته پیش باعث کسب مقام اکثریت جمهوریخواهان در مجلس نمایندگان شد تفسیر و تعبیرهای بی شماری در پی داشت. اکثریت تفسیر و تعبیرها در این رابطه متعلق به نویسندگان و مفسرانی است که معتقدند حمله نظامی به ایران باعث رونق اقتصادی در امریکا و انتخاب مجدد باراک اوباما به ریاست جمهوری خواهد شد. جمعی دیگر پیش بینی می کنند با حمله نظامی به ایران نام

باراک اوباما به عنوان محبوب ترین رئیس جمهوری امریکا در تاریخ این کشور ثبت خواهد شد. لینک های زیر بخشی از اینگونه تفسیر و تعبیرها را نشان می دهد.

<http://israelmatzav.blogspot.com/2010/10/obamas-best-chance-for-re-election.html>

<http://www.godlikeproductions.com/forum1/message1234412/pg1>

<http://www.manilatimes.net/index.php/top-stories/31261-the-us-midterm-elections-president-obama-and-iran>